

تحلیلی درباره نقد کتاب «اسلام و سکولاریسم»

اشاره

آنچه در زیر می‌آید یادداشتی است به قلم حجت الاسلام و المسلمین آقای سیداحمد علم الهدی، معاون محترم آموزشی دانشگاه امام صادق (ع) که به پیوست نامه محبت آمیزی برای سردبیر فصلنامه ارسال شده است. این یادداشت دربرگیرنده نکاتی پیرامون مقاله مربوط به نقد کتاب «اسلام و سکولاریسم» است که در شماره گذشته فصلنامه منتشر شده است. ضمن تشکر از نکته بینی و اهتمام ایشان، توجه خوانندگان ارجمند را به این نکات جلب می‌کنیم.

تحصیل کرده متدین و با ایمان انقلابی از مکتب ضد الهی «سکولاریسم» بکاهند با استفاده از مرادفات ژرمنی و اسپانیولی این لغت، معانی غیر صریحی برای آن می‌تراشند. البته این به آن معنا نیست که بنده بخواهم خدای نکرده نویسنده محترم مقاله را متهم کنم که ایشان هم از همان روشنفکران اصطلاحی هستند. یقیناً ایشان هم این معنا را جایی یافته و پسندیده و اخذ کرده‌اند ولی آنچه مسلم است معنای صریح لغت اصلی و لاتین «سکولاریسم»، «عرف‌گرایی» نیست.

این تحلیل در مقام حمایت و دفاع از کتابی که در این مقاله نقد شده نیست. بلکه در مقاله مزبور که در شماره یک سال سوم این فصلنامه درج شده است دو نکته وجود دارد که منظور از این نوشتار تذکری نسبت به آن دو نکته است. اول نویسنده محترم، در این مقاله «سکولاریسم» را «عرف‌گرایی» معنا کرده است البته شاید در این ترجمه خود از لغت و واژه «سکولاریسم» مدرک و منبعی هم داشته باشد. اما آنچه مسلم است این ترجمه نسبت به معنای اصیل لاتین آن درست نیست. اخیراً در بین برخی از افراد به اصطلاح روشنفکر جامعه ما رسم شده برای اینکه از استیحا ش شدید جوانان

سکولر 'Secular' 'Seculaire' در زبانهای انگلیسی و فرانسوی به معنای دنیوی (آنچه که مربوط به این جهان خاکی است) و مشتق از کلمه لاتین سکولوم Saeculum است به معنای امور این دنیا و «سکولاریسم» یعنی دنیاپرستی با اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آنچه که غیر از آن است. بنابراین شامل رد مذهب نیز می‌شود و غالباً مرادف با سیانتیسم استعمال می‌گردد.^۱

در فرهنگ علوم سیاسی «سکولاریسم» Secularism جدایی سیاست از دین، نادینی‌گری، جدا انگاری دین و دولت ترجمه

شده است.^۲

«سکولاریسم» قائل است پس از توضیح درباره «سکولارسازی» در مورد «سکولاریسم» می گوید: «سکولاریسم» یک ایدئولوژی است که بیانگر یک نگرش ارزش گذارانه منفی نسبت به مذهب است و حتی شاید بتوان آن را نوعی موضع گیری مذهبی به شمار آورد.^۳ با توجه به ماهیت ایدئولوژیک «سکولاریسم» ضدیت و ناهنجاری آن نسبت به اسلام نیاز به استدلال علمی و فلسفی ندارد.

پیدایش تفکر «سکولاریسم» در جامعه ما تازگی ندارد. از ابتدای قرن بیستم هر زمان که جبهه ای از کفر و استعمار به سراغ مبارزه با دین می آمده موضوع «سکولاریسم» با عناوین مختلف و متنوع مطرح می شده است. در ابتدای حرکت ضد دین و ضد روحانیت رضاخان این تفکر تحت عنوان جهش در رها سازی زندگی از خرافات متافیزیکی مطرح شد. با اوج گیری افکار کمونیستی و الحادی در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۳ همین تفکر تحت عنوان جدایی دین و علم یا ناسازگاری علم و دین مطرح شد و هم اکنون که موضوع مدرنیسم در اجتماعات به اصطلاح روشنفکر مطرح است باز سر و کله

دومین نکته این مقاله این است که نویسندۀ محترم عمده نقدی که بر کتاب «اسلام و غرب گرایی» وارد می کند این است که کتاب مذکور فاقد استدلال عقلی و فلسفی است و چون این کتاب در جهت اثبات ناسازگاری «اسلام و سکولاریسم» است این سؤال پیش می آید که آیا واقعاً ضدیت «سکولاریسم» با اسلام نیازمند استدلال فلسفی و علمی است؟

این مثل این است که کسی معنای لغوی اسلام (تسلیم در برابر خدا) را بگیرد و بگوید ناسازگاری اسلام به این معنا با مسیحیت به استدلال علمی و فلسفی نیازمند است. در مقام مقایسه اسلام و مسیحیت باید ماهیت ایدئولوژیکی اسلام را با مسیحیت مقایسه کرد نه معنای لغوی آن را (آن هم معنای غیر صریح و غیر مستقیم).

«سکولاریسم» یک مکتب است و در مقام شناخت آن باید ماهیت مکتبی آن را ملاحظه نمود و آنگاه با اسلام مقایسه کرد.

براین ویلسون Bryan Wilson در مقاله معروف خود درباره «سکولاریسم» با توجه به تفاوتی که بین ماهیت «سکولارسازی» و

«سکولاریسم» پیدا شده زیرا «سکولاریسم» از مطالبی که در پیدایش و تکوین ویژگی و پیامد اصلی مدرنیسم است. چون در قلمرو مدرنیسم دین مرکزیت خود را نسبت به زندگی اجتماعی و سیاسی از دست می‌دهد و به صورت مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی و مقولات شخصی درمی‌آید. نگرش مدرنیستی به دین نگرشی صرفاً پراگماتیستی و بهره‌جویانه است. باید یکی از ویژگی‌های مدرنیسم و تفکر لیبرالیستی را اعتقاد به سکولاریزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی دانست، یعنی این اعتقاد که دین نباید وجود داشته باشد یا اگر وجود دارد باید به امری شخصی و فردی تبدیل شود و در محدوده عبادات و احکام فردی باقی بماند و دین نباید مرکز ثقل حیات سیاسی و اجتماعی باشد.

سید احمد علم‌الهدی

پاورقی‌ها:

۱- مکتب‌های سیاسی تألیف بهاء‌الدین بازارگاد، ص ۱۰۶.

۲- فرهنگ علوم سیاسی- نشر مرکز اصطلاحات و مدارک علمی- گردآوری و تدوین علی‌آقابخشی و مینو افشاری راد.

۳- "The World's Religions" - گردآوری Sutherland, Stowan R. از انتشارات Routledge, 1988

۴- مجله حوزه و دانشگاه شماره ۶.

شاید بتوان بطور خلاصه شاخص‌های سکولاریسم را اینطور بیان کرد:

۱- دنیایی دیدن و این جهانی کردن حیات بشری

۲- افول و کاهش نقش متافیزیک و ما

بعد الطبیعه و هر نوع آئین و دین آسمانی

۳- نگرش مادی نسبت به اخلاق

۴- هدایت عقل مادی